

اعتراض شخص ثالث به گزارش اصلاحی در نظام قضایی ایران

(با نگاهی به قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲)

مهشید کرباسی *

ناصر رضوانی جویباری **

چکیده

اهمیت مصالحه و سازش در نظام قضایی ایران به اندازه‌ای است که در برخی متون قانونی از جمله قانون آیین دادرسی مدنی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون شوراهای حل اختلاف، آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و ... پیش‌بینی شده و مورد تأکید قرار گرفته است. اما قابل‌اعتراض بودن یا غیرقابل‌اعتراض بودن گزارش اصلاحی ناشی از مصالحه و سازش بین اصحاب دعوی توسط شخص ثالث، در سنوات گذشته به یکی از مباحث چالش‌برانگیز در حوزه دادرسی‌های حقوقی تبدیل شده بود. هرچند مقنن برای نخستین بار در قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲، اعتراض ثالث به گزارش اصلاحی را پذیرفته و به اختلاف‌نظرها پایان داده است، اما برای احقاق حق و جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص ثالث و ممانعت از تحمیل ضرر و زیان ناشی از دعاوی صوری، قانونی‌شناختن چنین حقی برای شخص ثالث، قابل تسری به تمام دادنامه‌های صادره از مراجع قضایی حاوی گزارش اصلاحی می‌باشد. در این مقاله، نگارندگان با تحلیل آرای صادره مختلف و متناقض و بررسی نظر موافقان و مخالفان پذیرش اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی و با توجه به کتب و

*. دکتری حقوق خصوصی، تهران، ایران.

Karbasi.m2008@gmail.com

** دکتری حقوق خصوصی، تهران، ایران.

n.rezvani54@gmail.com

مقالات و در نظر گرفتن تحولات قانونی به‌ویژه قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ به روش کتابخانه‌ای در صدد پاسخ‌گویی و رفع ابهام نسبت به موضوع برآمده و بر قابل‌اعتراض بودن گزارش اصلاحی صادره از کلیه مراجع قضایی در جهت پایان‌دادن به اختلاف‌نظرها و حل مشکل تأکید نموده‌اند.

واژگان کلیدی: اعتراض ثالث، رأی سازشی، شوراهای حل اختلاف، گزارش اصلاحی، مصالحه و سازش.

پرونده اول

مشخصات رأی (گزارش اصلاحی)

شماره دادنامه: ۱۴۰۴۷۳۹۰۰۷۳۸۳۸۸۰۹

تاریخ صدور: ۱۳۹۳/۰۸/۲۶

خواسته: رفع تصرف عدوانی

مرجع رسیدگی کننده (صدور رأی): شعبه اول دادگاه عمومی بخش نشتارود

مشخصات رأی (بدوی)

شماره پرونده: ۱۴۰۲۴۷۹۲۰۰۴۴۸۳۵۲۵

خواسته: اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی

مرجع رسیدگی کننده (صدور رأی): شعبه اول دادگاه عمومی بخش نشتارود

رأی بدوی

«نظر به این که گزارش اصلاحی اگرچه آثار رأی دادگاه را از منظر اجرایی دارد، لکن حکم محسوب نمی‌شود که موضوع اعتراض ثالث قرار گیرد و این در حالی است که موضوع دعوی اعتراض ثالث صرفاً می‌تواند رأی دادگاه باشد. این رأی توافق طرفین است که در قالب گزارش اصلاحی تنظیم می‌شود. چه اینکه ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر داشته است: «اگر در خصوص دعوایی، رأیی صادر شود که به حقوق شخص ثالث خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده او در دادرسی که منتهی به رأی شده است به عنوان اصحاب دعوی دخالت نداشته باشد، می‌تواند نسبت به آن رأی اعتراض کند» و حتی ملاحظه می‌شود در ماده ۴۱۸ قانون صدرالذکر از حکم داور نیز نام برده شده است و هیچ ذکری از گزارش اصلاحی نشده است. لذا این دادگاه با توجه به موارد مذکور، موجبات اجابت استماع خواسته خواهان را فراهم ندانسته و مستنداً به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوی خواهان را صادر و اعلام می‌دارد.»

پرونده دوم

مشخصات رأی (گزارش اصلاحی)

شماره دادنامه: ۱۴۰۲۹۱۹۰۰۱۲۵۱۱۸۹۶

خواسته: تخلیه آپارتمان

مرجع رسیدگی کننده (صدور رأی): شعبه اول شورای حل اختلاف ملارد

مشخصات رأی (بدوی – قرار رد اعتراض ثالث)

شماره دادنامه: ۱۴۰۲۹۱۳۹۰۰۲۰۸۲۵۰۷

خواسته: اعتراض ثالث به گزارش اصلاحی

مرجع رسیدگی کننده (صدور رأی): شعبه اول شورای حل اختلاف ملارد

رأی بدوی

«ادعای خرید آپارتمان و رسیدگی به آن در صلاحیت شورا نمی باشد و از سوی دیگر، اعتراض ثالث در خصوص آرای محاکم قابلیت طرح و رسیدگی را دارد و موضوع گزارش اصلاحی حکم محسوب نمی شود و تنها در اجرا مشابه احکام محاکم می باشد. مستنداً به مواد ۲ و ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار رد اعتراض ثالث خواهان صادر و اعلام می گردد.»

مشخصات رأی (تجدیدنظر – تأیید رأی بدوی)

شماره دادنامه: ۱۴۰۳۹۱۳۹۰۰۱۱۸۹۴۶۹

خواسته: تجدیدنظرخواهی نسبت به قرار رد اعتراض ثالث

مرجع رسیدگی کننده (صدور رأی): شعبه ۸ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ملارد

رأی تجدیدنظر

«اعتراض معترض وارد نبوده و رأی معترض عنه تأیید و ابرام می گردد.»

پرونده سوم

مشخصات رأی (بدوی – قرار رد اعتراض ثالث)

شماره دادنامه: ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۰۴۰۰۵۸۴

تاریخ صدور: ۱۳۹۲/۶/۱۷

خواسته: تجدیدنظرخواهی نسبت به قرار عدم استماع
مرجع رسیدگی کننده (صدور رأی): شعبه ۵۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

رأی بدوی

«موضوع دادنامه شماره ۰۸۰۹ گزارش اصلاحی می‌باشد و گزارش اصلاحی رأی محسوب نمی‌شود تا موضوع اعتراض ثالث قرار گیرد. به استناد ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار عدم استماع دعوی صادر و اعلام می‌گردد.»

مشخصات رأی (تجدیدنظر – نقض قرار بدوی)

شماره دادنامه: ۹۰۰۹۹۸۰۲۲۷۸۰۰۳۳۶

خواسته: اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی (خلع ید)
مرجع رسیدگی کننده (صدور رأی): شعبه ۱۸ دادگاه حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران

رأی تجدیدنظر

«اولاً گزارش اصلاحی از مصادیق آرای مرجع قضایی است و آثار و نتایج قانونی مترتب بر رأی دادگاه از جمله مختومه شدن دعوی و خروج پرونده از آمار و تعیین تکلیف دعوی اقامه شده را دربردارد و ثانیاً قانون‌گذار به شخص ثالث فاقد سمت در دعوی اصلی و متضرر از نتیجه آن به طور اطلاق برابر ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی حق طرح اعتراض به رأی مذکور را اعطاء نموده و فرض ورود ضرر به شخص ثالث در پرتو توافق دو طرف دعوی اصلی و گزارش اصلاحی حاکم بر آنها محتمل است؛ بنابراین شخص ثالث متضرر از مفاد گزارش اصلاحی می‌تواند نسبت به آن دعوی، اعتراض ثالث اقامه نماید. مستنداً به موارد مذکور، قرار بدوی نقض و دستور رسیدگی ماهوی صادر می‌گردد.»

پرونده چهارم

مشخصات رأی (بدوی – گزارش اصلاحی)

شماره دادنامه: ۹۶۰۹۹۸۲۰۶۷۲۰۰۱۱۲
خواسته: الزام به تحویل مبیع
مرجع رسیدگی کننده (صدر رأی): شعبه دوم شورای حل اختلاف شهرستان چالوس

مشخصات رأی (بدوی – پذیرش اعتراض ثالث)

شماره دادنامه: ۱۴۰۰۴۷۳۹۰۰۰۲۷۳۳۰۴۷
تاریخ: ۱۴۰۰/۰۴/۱۳
خواسته: اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی

رأی بدوی

«حکم بر پذیرش اعتراض ثالث و الغای دادنامه حاوی گزارش اصلاحی صادر می گردد. رأی صادره به جهت عدم تجدیدنظرخواهی قطعیّت یافت.»

مقدمه

قانون‌گذار در نظام قضایی ایران به انجام مصالحه و سازش اهتمام ویژه‌ای داشته و فصل نهم از باب سوم قانون آیین دادرسی مدنی را به سازش و درخواست آن اختصاص داده است. به گونه‌ای که در ماده ۱۷۸ قانون مذکور آمده است: «در هر مرحله از دادرسی مدنی، طرفین می‌توانند دعوی خود را به طریق سازش خاتمه دهند». هدف نهاد قضایی و وکلای دادگستری به عنوان بازوی قوی دادگستری و یکی از دو بال فرشته عدالت، آن است که اختلافات مردم به نحو عادلانه‌ای حل و فصل شود؛ زیرا تحقق عدالت والاترین ارزش برای قضات و وکلای دادگستری به عنوان دادگران جامعه می‌باشد (عابدی، ۱۳۹۸: ۹۰). در ماده ۳۱ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری و بند ۱ ماده ۷۶ آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰، وکلای دادگستری مکلف و متعهد به تلاش برای صلح و سازش فی‌مابین اصحاب دعوی گردیده‌اند.

اگرچه انجام مصالحه و سازش و خاتمه‌دادن به دعوی و اختلافات مطروحه در مراجع قضایی با صدور گزارش اصلاحی، امری مطلوب و پسندیده است، مع‌الوصف در بسیاری از موارد دیده شده که افرادی با تبانی قبلی و با سوءاستفاده از این حربه و راهکار پیش‌بینی‌شده، در جهت تصاحب اموال دیگران یا تضییع حقوق آنها برآمده‌اند. به گونه‌ای که با طرح دعاوی ساختگی در مراجع قضایی اعم از دادگاه‌ها و شوراهای حل اختلاف و خاتمه‌دادن آنها با صلح و سازش و با اخذ دادنامه گزارش اصلاحی حاوی انجام اعمال حقوقی و اجرایی از جمله تنظیم سند رسمی، تحویل و تسلیم مال اعم از منقول و غیرمنقول و غیره و در نهایت درخواست صدور اجرای حکم و اخذ اجرائیه، مال شخص ثالث را به راحتی از تصرف و ید او خارج نموده و تصاحب می‌کنند و صاحب مال را جهت احقاق حق و پیگیری حقوقش با چالش‌های جدی مواجه می‌سازند.

راهکار قانونی پیش‌بینی‌شده از سوی قانون‌گذار، امکان طرح و اقامه دعوی اعتراض ثالث حکمی مطابق مواد ۴۱۷ تا ۴۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی و اعتراض ثالث اجرایی مطابق مواد ۴۷ و ۴۸ قانون اجرای احکام مدنی است، اما این امر در خصوص گزارش اصلاحی با اختلاف نظر اساسی و برخورد دوگانه قضات روبرو گردیده است.

جمع کثیری از قضات ماهیتاً گزارش اصلاحی را قرارداد و نوعی عقد صلح می‌دانند و رأی به معنای واقعی ندانسته و آن را قابل اعتراض نمی‌دانند. در مقابل، عده‌ای دیگر از قضات معتقدند که گزارش اصلاحی اگرچه بر اساس سازش‌نامه میان طرفین دعوی است، اما در نهایت حکم محسوب می‌شود (صحرائی و جمشیدی، ۱۴۰۰: ۸۹) و اعتراض ثالث نسبت به دادنامه صادره مربوط به گزارش اصلاحی را مورد پذیرش قرار داده و نسبت به ادعای معترض ثالث اقدام به رسیدگی ماهوی نموده‌اند.

در این مقاله، نگارندگان سعی نموده‌اند با ذکر نمونه آراء مخالفان و موافقان قابلیت استماع دعوی اعتراض ثالث به گزارش اصلاحی، استدلال‌های هر یک و نیز بررسی تحولات تقنینی پیرامون آن و آخرین دیدگاه‌های قانون‌گذار در جهت حل اختلاف موجود و ایجاد رویه واحد، راهکار قانونی لازم را ارائه نمایند.

۱. قابلیت اعتراض شخص ثالث به گزارش اصلاحی در رویه قضایی

در این بخش، در جهت بیان و تحلیل آراء و نظرات موافقان و مخالفان قابل‌اعتراض بودن گزارش اصلاحی در رویه قضایی، نمونه‌هایی از وقایع پرونده‌ها و آرای صادره توسط مراجع قضایی در خصوص پذیرش و عدم پذیرش اعتراض ثالث به گزارش اصلاحی بیان می‌شود. (متن کامل آراء در بخش «متن رأی» پیش از مقدمه درج گردید و در اینجا صرفاً وقایع پرونده‌ها و خلاصه استدلال‌ها آورده می‌شود.)

۱-۱. بررسی موردی پرونده‌هایی با رویکرد عدم پذیرش اعتراض ثالث به

گزارش اصلاحی

۱-۱-۱. وقایع پرونده اول

شخصی به هویت «ح.م» با طرح دعوی رفع تصرف عدوانی به طرفیت «م.د» مدعی گردید خوانده به عنوان نگهبان و سرایدار ملکش بوده و با وجود درخواست رفع تصرف و تحویل ملک، از استرداد آن خودداری نموده است.

پس از تشکیل جلسه رسیدگی، طرفین درخواست صدور گزارش اصلاحی نمودند و توافق گردید در قبال دریافت مبلغ دویست میلیون ریال، خوانده اقدام به رفع تصرف نماید. دادگاه بدوی طی دادنامه شماره ۱۴۰۴۷۳۹۰۰۷۳۸۳۸۸۰۹، گزارش اصلاحی فی‌مابین اصحاب دعوی را صادر نمود. ملک موضوع این گزارش، ملکی ثبت‌شده و دارای سند رسمی به نام شخص ثالث «ع.ب» بود.

شخص ثالث («ع. ب») به محض اطلاع، با طرح دعوی اعتراض ثالث نسبت به دادنامه مذکور، اعلام نمود که خواندگان دعوی اصلی با علم و اطلاع از تعلق ملک به موکل و با تبانی، موفق به اخذ گزارش اصلاحی گردیده‌اند و به حقوق وی خلل وارد شده است.^۱

دادگاه رسیدگی‌کننده در همان شعبه، با استدلال اینکه «گزارش اصلاحی حکم محسوب نمی‌شود تا موضوع اعتراض ثالث قرار گیرد»، مستنداً به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار عدم استماع دعوی اعتراض ثالث صادر نمود. رأی صادره به جهت عدم اعتراض قطعیّت یافت.

۱-۲. وقایع پرونده دوم

مالک رسمی و اولیه آپارتمان که در سال ۱۳۹۳ ملک خود را به «ب. ک» برای مدت یک سال اجاره داده بود، با کتمان فروش بعدی آن طی قرارداد عادی به «ر. گ»، با تقدیم دادخواست تخلیه علیه مستأجر سابق خود به استناد اجاره‌نامه سال ۱۳۹۳ اقدام به طرح دعوی در سال ۱۴۰۲ نمود.

پرونده به شعبه اول شورای حل اختلاف ملارد ارجاع گردید و طی دادنامه شماره ۱۲۵۱۱۸۹۶/۱۴۰۲۹۱۹۰۰، گزارش اصلاحی فی‌مابین اصحاب دعوی با موضوع تخلیه آپارتمان در قبال دریافت مبلغ ده میلیون تومان صادر شد. در مرحله اجرا، خریدار آپارتمان («ر. گ») که ملک در تصرفش قرار داشت، اقدام به طرح دعوی اعتراض ثالث نمود. شعبه اول شورای حل اختلاف ملارد با

۱. در مورد مشابه شعبه ۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در مقام نقض دادنامه شعبه ۱۱۶ دادگاه عمومی - حقوقی تهران که دلالت بر پذیرش اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی داشته، اعلام نمود «... قطع نظر از این که گزارش اصلاحی فقط بین طرفین و قائم مقام قانونی آنان لازم الاجراست، اصولاً گزارش اصلاحی موضوع دعوی را قبل از این که دادگاه شروع به رسیدگی کند یا رسیدگی را به نتیجه برساند، منتفی می‌گرداند، یعنی مجالی برای انشاء رأی باقی نمی‌گذارد و به همین دلیل استعمال کلمه دادنامه در مورد گزارش اصلاحی غلط است و نسبت به گزارش اصلاحی درخواست اعتراض ثالث پذیرفته نمی‌شود زیرا گزارش اصلاحی نه حکم است و نه قرار. بنابراین، دعوی خواهان معترض ثالث فاقد وجهت قانونی و غیرقابل استماع تشخیص داده می‌شود.» (دادنامه شماره ۶۶۶/۶۶۷ مورخ ۱۳۸۲/۴/۴ صادره از شعبه ۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران) به نقل از (پهلوان زاده، ۱۳۹۹: ۱۳۷)

استدلال اینکه ادعای خرید آپارتمان در صلاحیت شورا نیست و گزارش اصلاحی حکم محسوب نمی‌شود، مستنداً به مواد ۲ و ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار رد اعتراض ثالث صادر نمود.

با اعتراض به رأی صادره، شعبه ۸ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ملارد اعتراض معترض را وارد ندانسته و طی دادنامه شماره ۱۱۸۹۴۶۹/۱۴۰۳۹۱۳۹۰۰۰، رأی بدوی را تأیید و ابرام نمود.

۲-۱. بررسی موردی پرونده‌هایی با رویکرد پذیرش اعتراض ثالث به گزارش

اصلاحی

۱-۲-۱. وقایع پرونده اول

آقای «م. ح» به وکالت از «ف. ض» دادخواست اعتراض ثالث نسبت به دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۷۸۰۰۱۴۶ مورخ ۱۳۸۸/۸/۲۳ شعبه ۱۸ دادگاه حقوقی تهران به خواسته خلع ید از شش دانگ سه باب زیرزمین... تقدیم نمود.

موضوع دادنامه شماره ۰۸۰۹، یک گزارش اصلاحی بود که بین اصحاب دعوی اصلی صادر گردیده بود.

دادگاه بدوی با استدلال اینکه «گزارش اصلاحی رأی محسوب نمی‌شود تا موضوع اعتراض ثالث قرار گیرد»، به استناد ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار عدم استماع دعوی صادر نمود.

قرار صادره مورد تجدیدنظرخواهی قرار گرفت. شعبه ۵۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران طی دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۰۴۰۰۵۸۴ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۷، با این استدلال که «گزارش اصلاحی از مصادیق آرای مرجع قضایی است و شخص ثالث متضرر می‌تواند اعتراض ثالث اقامه نماید، قرار بدوی را نقض و دستور رسیدگی ماهوی صادر نمود.

۱-۲-۱. وقایع پرونده دوم

در شعبه دوم شورای حل اختلاف شهرستان چالوس، دعوی الزام به تحویل مبیع فیمابین زوجین «ز. م» (خواهان) و «پ. ح» (خوانده) به طور صوری طرح گردید.

دعوی به مصالحه و سازش خاتمه یافت و گزارش اصلاحی مبنی بر تحویل مبیع صادر گردید. متعاقباً بر مبنای آن، اجرائیه صادر شد.

در مرحله اجرا، متصرفین ملک (شخص ثالث) در قالب دعوی اعتراض ثالث اصلی، نسبت به دادنامه موضوع گزارش اصلاحی اعتراض نمودند. طی دادنامه شماره ۴۷/۲۷۳۳۰۰۰۴۷۳۳۹۰۰ مورخ ۱۳/۴/۱۴۰۰، حکم بر پذیرش اعتراض ثالث و الغای دادنامه حاوی گزارش اصلاحی صادر گردید. رأی صادره به جهت عدم تجدیدنظرخواهی قطعیّت یافت.

حال با توجه به بیان وقایع نمونه‌هایی از پرونده‌های با خواسته اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی، به نقد و بررسی نظر مخالفان و موافقان پرداخته و در خاتمه نظر نهایی در جهت برطرف نمودن و حل اختلاف و ارائه راهکاری جهت اتخاذ رویه واحد از سوی مراجع قضایی بیان می‌گردد.

۲. قابلیت اعتراض شخص ثالث به گزارش اصلاحی در دکت‌رین حقوقی

در جهت بررسی استدلال و نظر مخالفان و موافقان پذیرش دعوی اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی، هرچند ذکر تمام آنها در این مقاله مقدور نمی‌باشد، مع الوصف به بیان نظرات حقوقدانان برجسته کشور اعم از اساتید و صاحب‌نظران و نیز قضات و نظرات کارشناسان اداره حقوقی قوه قضائیه به طور خلاصه پسندیده گردیده است.

۲-۱. استدلال مخالفان پذیرش دعوی اعتراض ثالث نسبت به گزارش

اصلاحی در دکت‌رین

استاد فقید دکت‌ر جعفری لنگرودی در کتاب دانشنامه حقوقی، جلد پنجم بیان می‌دارد که اصطلاح گزارش اصلاحی که در دادگاه‌های مدنی ایران در نیم قرن اخیر به کار رفته است، در هیچ متنی از قانون دیده نمی‌شود. گزارش اصلاحی نوشته‌ای است که مرکب از دو جزء است. قسمت اول، که گزارش یعنی اخبار از تصمیم دو طرف دارد. این گزارش به طور اختصار از حضور دو طرف و آمادگی آنها برای مذاکرات اصلاحی و تمایل آنان به انعقاد عقد صلح دارد و قسمت دوم، گزارش اصلاحی به طور صریح عبارت است از عقد صلح که در ماده ۷۵۲ قانون مدنی دیده می‌شود. به هر حال گزارش اصلاحی موضوع دعوی را قبل از این که دادرس شروع به رسیدگی کند و یا رسیدگی را به نتیجه برساند، منتفی می‌گرداند. یعنی مجال برای انشاء رأی و فصل خصومت باقی نمی‌گذارد. استاد در ادامه به حکم تمیزی شماره ۳۱۱ مورخ

۱۳۲۶/۱/۲۶ اشاره می‌نماید که درخواست تصحیح گزارش اصلاحی، حکم به معنی واقعی آن نیست، مردود اعلام نمود و حتی استعمال کلمه دادنامه را در مورد گزارش غلط فاحش دانسته است و با توجه به مراتب اعلام می‌دارد که نسبت به گزارش اصلاحی، عرض حال اعتراض ثالث پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا گزارش اصلاحی نه حکم است و نه قرار. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۱۶۷ و ۱۶۸)

استاد فقید دکتر امیر ناصر کاتوزیان در کتاب اعتبار امر قضاوت شده در مورد گزارش اصلاحی بیان می‌دارد گزارش اصلاحی از نظر ماهوی یک قرارداد واقعی است و اعتبار و اثر آن تابع قواعد عمومی قانون مدنی است. تنظیم گزارش اصلاحی عمل قضایی نیست و به همین دلیل از اعتبار امر قضاوت شده استفاده نمی‌کند ولی در شرایطی قابل ابطال و فسخ است. ضمن این که ماهیت قراردادی را که بسته می‌شود، صلح اعلام می‌نماید و گزارش اصلاحی را تنها یک قرارداد قضایی می‌داند. از این رو، آن را قابل اعتراض ثالث نمی‌داند. (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۱۲۸)

استاد عبدالله شمس در کتاب وزین آیین دادرسی مدنی جلد دوم می‌گوید «... آن چه مسلم است گزارش اصلاحی به مفهوم اخص که منحصرأ تثبیت قرارداد اصحاب دعوی می‌باشد، رأی محسوب نمی‌شود و بنابراین، ... لازم نیست به کل دادنامه صادر شود و در نتیجه از اعتبار امر قضاوت شده برخوردار نبوده و قابل تجدیدنظر و سایر طرق شکایت از آراء نمی‌باشد اما باید پذیرفت که مانند هر سند عادی یا رسمی دیگری موضوع دعوی فسخ و بی‌اعتباری قرار گیرد. در حقیقت در تنظیم و تحریر گزارش اصلاحی، دادگاه همان نقش را ایفاء می‌نماید که برای مثال یک سردفتر در تنظیم و تحریر سند رسمی دارد و در مقابل چنان که کیفیت توافق اصحاب دعوی به گونه‌ای باشد که دادگاه پس از احراز آن، حکمی واقعی صادر نماید که حاوی اسباب موجهه بوده و دارای منطوق باشد، در حقوق ایران نیز با سندی مواجه خواهیم بود که آثار آن با سایر احکام یکسان است. در نتیجه، حکم مزبور دارای اعتبار امر قضاوت شده بوده و مشمول قاعده فراغ دادرس قرار گرفته و در محدوده مقررات، قابل شکایت است و نمی‌تواند موضوع دعوی فسخ و بطلان قرار گیرد. (شمس، ۱۳۸۲: ۲۸۶ و ۲۸۷)

نظریه اکثریت هیأت عالی در صورتجلسه نشست قضایی شهرستان ساری استان مازندران به تاریخ ۱۳۹۷/۹/۲۲ دلالت بر این دارد که با توجه به این که گزارش اصلاحی نتیجه و اعلام صلح و سازش طرفین دعوی است که صرفاً دادگاه مجری آن می‌باشد و اعتراض ثالث حکمی نیز از طریق فوق العاده شکایت از آراء مدنی است و قابلیت توسعه به سایر موارد را ندارد؛ به علاوه گزارش اصلاحی حکم نیست تا قابل اعتراض ثالث حکمی تلقی شود؛ لکن اگر مطابق ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی همانند احکام دادگاه‌ها اجرائیه صادر می‌شود و قابلیت اجرایی دارد؛ امکان اعتراض ثالث اجرایی وجود دارد. اکثریت قضات حاضر، با استناد به قوانین متعدد، نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی، حکم تمیزی شماره ۳۱۱ مورخ ۱۳۲۶/۱/۲۶، آراء متعدد دادگاه عالی انتظامی قضات که گزارش اصلاحی را همواره به عنوان قرارداد قضایی شناخته و حتی قضاتی را که در صدر گزارش اصلاحی قید رأی دادگاه را آورده اند، متخلف اعلام و محکوم نموده است و نیز به استناد قاعده فرعی^۱ و اصل و قاعده هو هویت^۲، گزارش اصلاحی را حکم ندانسته و عقد صلح می‌دانند و لذا آن را قابل اعتراض ثالث نمی‌دانند و تنها در مواردی که عقد صلح قابل ابطال یا فسخ است، گزارش اصلاحی نیز قابلیت فسخ و ابطال را دارد.

در نظریه‌های مشورتی متعدد از جمله نظریه شماره ۷/۷۰۴ مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۰ اداره حقوقی قوه قضائیه آمده است گزارش اصلاحی قابلیت اعتراض ثالث را نداشته و جزء آراء محاکم محسوب نمی‌شود. در نظریه شماره ۷/۱۶۹۵ مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۶ هم کارشناسان اداره حقوقی قوه قضائیه، گزارش اصلاحی را مانند عقد صلح تلقی

۱. قاعده فرعی: این قاعده می‌گوید اثبات هر چیز دیگر، فرع بر اثبات چیز اول است. آن جا که قانون می‌گوید مانند احکام دادگاه‌ها قابل اجرا است (ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی) چیزی که مانند کلی چیز دیگر است در عین حال، خود آن چیز نیست. اگر عین عین آن بود، لزومی نداشت که ذکر شود مانند آن چیز است.

۲. یعنی هر چیزی، خودش، خودش است. حال وقتی می‌گویند فلان مسأله حکم آن مسأله است یعنی خود آن مسأله نیست. گزارش اصلاحی نیز چنین است. وقتی قانون می‌گوید مانند حکم است، یعنی حکم نیست. در نتیجه استعمال کلمه دادنامه در مورد گزارش اصلاحی غلط فاحش است.

کرده و اعلام نمودند گزارش اصلاحی نه حکم است و نه قرار و صرفاً اشخاص ثالث می‌توانند درخواست ابطال آن را بنمایند.

نظریه اتفاق آراء قضات تهران در خصوص قابلیت تجدیدنظرخواهی گزارش اصلاحی این است که گزارش اصلاحی موضوع ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۷۹ انعکاس و اخبار اراده طرفین دعوی است و دادگاه بر مبنای سازش نامه اساساً حکم یا قراری صادر نمی‌کند بلکه قاضی دادگاه فقط سازش به عمل آمده میان اصحاب دعوی را صورت مجلس می‌نماید. وقتی که مواد ۳۳۰ تا ۳۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ صراحتاً آراء دادگاه‌ها اعم از حکم و قرار را قابل تجدیدنظر دانسته، تبعاً گزارش اصلاحی نمی‌تواند مشمول ماده ۳۲۶ قانون مذکور باشد و ... بنابراین مطابق نظریه اکثریت قضات تهران هم گزارش اصلاحی حکم محسوب نشده و لذا قابل اعتراض ثالث یا تجدیدنظرخواهی و اعاده دادرسی نمی‌باشد.

۲-۲. استدلال موافقان پذیرش اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی در

دکترین

دکتر عبدالله شمس در جلد دوم کتاب آیین دادرسی مدنی بیان داشته «... چنانچه در گزارش اصلاحی کیفیت توافق اصحاب دعوی به گونه‌ای باشد که دادگاه پس از احراز آن، حکمی واقعی صادر نماید که حاوی اسباب موجهه بوده و دارای منطوق باشد، با سندی مواجه خواهیم بود که آثار آن با سایر احکام یکسان است. در نتیجه، حکم مذکور دارای اعتبار امر قضاوت شده بوده و مشمول قاعده فراغ دادرسی قرار گرفته و در محدوده مقررات قابل شکایت است و نمی‌تواند موضوع دعوی فسخ و بطلان قرار گیرد و ...» (شمس، همان، ۲۸۶). این استاد مسلم آیین دادرسی مدنی ایران، معتقد به قابل شکایت و اعتراض بودن برخی از موارد گزارش اصلاحی گردیده است. چنانچه برخی دیگر از حقوقدانان هم بر این نظر می‌باشند. (ابهری و کاویار، ۱۳۹۳: ۳۲۶)

برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند گزارش اصلاحی از حیث آثار مانند حکم است و موجب فصل دعاوی می‌شود و بنابراین از اعتبار امر قضاوت شده برخوردار است. (نوبخت، ۱۳۹۳: ۲۴۵) به عبارت دیگر، منظور قانون‌گذار از گزارش اصلاحی، گزارش اصلاحی به عمل آمده بین طرفین در قالب رأی توسط دادگاه می‌باشد نه

این که مفاد سازش نامه دقیقاً در گزارش اصلاحی قید شود و در این گفته گزارش اصلاحی رأی دانسته شده است (بهری و کاویار، همان: ۳۱۹)^۱

در دیدگاه قضات دادگاه تجدیدنظر استان تهران که موافق پذیرش اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی هستند، آمده است: گزارش اصلاحی دارای ویژگی‌های رأی می‌باشد؛ زیرا از طرفی، موجب فراغ دادرس می‌شود و از طرف دیگر، قاطع دعوی است. این که گفته می‌شود گزارش اصلاحی صرفاً توافق است، صحیح نیست؛ زیرا خود گزارش اصلاحی توافق نیست بلکه محتوی گزارش اصلاحی، تصدیق دادگاه بر توافق طرفین است و آثار این توافق به موجب رأی دادگاه جاری می‌شود. به عقیده قضات مذکور، گزارش اصلاحی یک قرارداد قضایی بوده و دارای قابلیت اعتراض ثالث می‌باشد و عدم قابلیت تجدیدنظرخواهی گزارش اصلاحی منافاتی با قابلیت اعتراض ثالث ندارد. این که گفته می‌شود دادگاه در صدور گزارش اصلاحی صرفاً نقش نگارنده متن گزارش را دارد، صحیح نیست؛ زیرا دادگاه در صدر گزارش اصلاحی ناگزیر از شناسایی برخی امور دخیل در مفاد گزارش است (کارچانی و عبدالهی، ۱۳۹۶، ۲۰۰، الی ۲۲۵) و در پایان جلسه حدوداً نصف قضات حاضر، موافق پذیرش اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی بودند.

مطابق رأی اصراری شماره ۶۵۴۲ مورخ ۱۳۳۸/۱۲/۱۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، چون گزارش اصلاحی هم از نظر آثار مانند احکام است و در واقع، موجب ختم کار و فصل دعاوی می‌باشد، به نظر این دادگاه مشمول مقررات بند چهارم ماده ۱۹۸ (بند ۶ ماده ۸۴ کنونی) بوده و قابل رسیدگی مجدد نمی‌باشد (به

۱. ایراد دیدگاه اخیر این است که مستند قانونی ندارد و هیچ ضابطه قانونی برای تفکیک گزارش اصلاحی وجود ندارد. از سوی دیگر، ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی حاوی قاعده امری و تکلیف برای قاضی است. این که به محض تحقق سازش بین طرفین، دادگاه باید گزارش اصلاحی که در واقع مشتمل بر همان سازش نامه بین طرفین و اعلام تحقق سازش است را تنظیم کند. در تنظیم این گزارش قاضی هیچ ابتکاری ندارد. پذیرش تفکیک یعنی اعطای اختیار به قاضی در تنظیم گزارش اصلاحی یا صدور حکم. در حالی که قانون چنین اختیاری را برای دادگاه تجویز نکرده است. (سلطانیان، ۱۴۰۳: ۱۶۸)

نقل از جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹، ۱۶۹) طبق این رأی دیوان، گزارش اصلاحی حکم است و اعتبار امر مختومه را دارد و لذا قابلیت اعتراض ثالث را خواهد داشت.

نظریه اقلیت قضات استان مازنداران در صورتجلسه نشست قضایی مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۲ دلالت بر پذیرش اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی دارد. قضات مذکور دلایلی برای آن نام برده‌اند که عبارتند از:

الف) استناد به قوانین؛ زیرا اولاً قانون‌گذار در ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، یکی از وظایف محاکم را فصل خصومت اعلام نموده است و گزارش اصلاحی نیز به نوعی رفع خصومت و فصل آن میان طرفین است. یعنی همان اثری که حکم محاکم در دعاوی داشته لذا چون گزارش اصلاحی برای ایجاد سازش و متعاقب سازش میان طرفین تنظیم می‌شود، قابلیت و اثر احکام را داشته و امکان اعتراض ثالث نیز در مورد آن فراهم می‌باشد. ثانیاً در ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است «دادگاه به شرح فوق رسیدگی را ختم می‌کند» یعنی برای صدور گزارش اصلاحی ختم رسیدگی همانند صدور رأی باید اعلام شود و به نوعی قبل از صدور گزارش اصلاحی، دادگاه اقدام به رسیدگی و دادرسی می‌نماید. ثالثاً در ماده ۱۸۴ قانون مذکور آمده است همانند احکام دادگاه‌ها به موقع اجرا گذاشته می‌شود. یعنی برای اجرای آن اجرائیه صادر می‌گردد و از سوی اجرای احکام مدنی به مرحله اجرا در می‌آید. بنابراین، اثر حکم بر آن مترتب بوده و در نتیجه قابلیت اعتراض ثالث را دارد.

ب) گزارش اصلاحی به نوعی حکم طرفینی است که قاضی باید بنویسد و اگر امضاء نشد، اعتبار ندارد. هر دو طرف محکوم می‌شوند و مانند احکام دادگاه‌ها قطعی است (محکومیت طرفینی)

پ) امکان ابطال و درخواست ابطال گزارش اصلاحی نیست؛ زیرا قطعی و لازم‌الاجراست. چگونه می‌شود حکم طرفینی قطعی را ابطال کرد؟

ت) مفاد رأی ۳۱۸ مورخ ۱۳۸۲/۸/۱۰ دادگاه انتظامی قضات دلالت بر این امر دارد که گزارش اصلاحی به منزله حکم است و شعبه هم عرض نمی‌تواند آن را نقض کند.

بنابراین اقلیت قضات مذکور نتیجه می‌گیرند که کلیه تصمیمات دادگاه‌ها چه در قالب حکم و قرار نهایی باید منتهی به نتیجه‌ای شود و تکلیف طرفین را در دعوی مشخص نماید لذا گزارش اصلاحی نیز با مذاکره میان طرفین در دادگاه یا خارج از آن منتهی به نتیجه برای هر یک از آنها می‌شود که طرفین مستلزم به اجرای آن هستند که اگر اجرا نکنند به مثابه حکم دادگاه توافقات جنبه اجرایی یافته و مانند احکام دادگاه‌ها اجرا می‌شوند و لذا در مفهوم عام تصمیم، هر تصمیم دادگاه قابلیت ترافیعی داشته و تکلیف طرفین را مشخص می‌کند و گزارش اصلاحی نیز خروج موضوعی از این قاعده ندارد و در صورت خلل به حقوق شخص ثالث، شخص اخیر می‌تواند درخواست اعتراض و رسیدگی و ابطال آن را بنماید.^۱

اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۲۷۷۶/۹۵/۷ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۲ صراحتاً اعلام نظر نمودند که با توجه به این که مطابق ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، گزارش اصلاحی به منزله حکم احکام قطعی به موقع اجرا گذاشته می‌شود لذا شخص ثالث می‌تواند به استناد ماده ۴۱۷ قانون یاد شده نسبت به آن، دعوی اعتراض ثالث اقامه نماید و در ادامه اعلام داشت که به تصریح مقنن در ماده ۲۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴، مقررات این قانون در مورد گزارش اصلاحی مراجع قضایی نیز مجری است و لذا اجرای حبس کسی که مطابق گزارش اصلاحی در حکم محکوم علیه است، جایز می‌باشد و به ادعای اعسار یا تقسیط وی نیز رسیدگی می‌گردد. همچنین کارشناسان اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۷۰۴ مورخ ۱۳۸۴/۲/۲۰ هم اعلام داشتند: با عنایت به ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، گزارش اصلاحی یا سازش نامه که از دادگاه‌های صلاحیت‌دار صادر می‌شود، همانند احکام قطعی دادگاه‌ها لازم الاجرا بوده و غیرقابل اعتراض و تجدیدنظر است و نظر به این که اعتراض شخص ثالث ناظر به احکام قطعی است و سازش نامه تنظیم شده در دادگاه‌ها نیز مانند احکام قطعی مزبور است، چنان چه به موجب این قبیل سازش نامه‌ها به حقوق شخص ثالثی که در تنظیم آن دخالت

نداشته است، خللی وارد شود، در دادگاهی که آن را تنظیم کرده است، توسط شخص ثالث قابل اعتراض است.

۳. دیدگاه قانون‌گذار راجع به پذیرش اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی در قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲

در قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲، تقاضای سازش موضوع ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی مدنی در صلاحیت دادگاه صلح قرار گرفت. (بند ۸ ماده ۱۲). دادگاه صلح با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل رسمیت می‌یابد و دادگاه صلح با رضایت طرفین، پرونده را برای حصول سازش به عضو یا اعضای شورا که در دادگاه مستقر می‌باشند یا شعبه شورا یا میانجیگری ارجاع می‌دهد. چنان چه حداکثر ظرف دو ماه موضوع منتهی به سازش شود، مراتب صورتجلسه و جهت اتخاذ تصمیم به قاضی دادگاه صلح اعلام می‌شود تا طبق مقررات اقدام نماید. (تبصره ۲ ماده ۱۲) ضمن این که شوراها در کلیه امور مدنی و حقوقی و جنبه خصوصی جرائم غیرقابل گذشت و کلیه جرائم قابل گذشت با درخواست خواهان یا مدعی خصوصی یا شاکی برای صلح و سازش اقدام می‌نمایند (ماده ۱۳ همان قانون) که ترتیب اقدامات سازشی مطابق آیین‌نامه مصوب آتی خواهد بود.

در ماده ۲۰ قانون شوراهای حل اختلاف، صدور گزارش اصلاحی در اجرای مواد ۱۳ و ۱۵ این قانون از اختیارات شوراها بوده و چنانچه توافق و سازش طرفینی متضمن حق، تکلیف یا تعهدی باشد، موارد در گزارش اصلاحی به صورت صریح و مشخص و با قید حقوق و تعهدات طرفین و نحوه و زمان اجرای تعهد ذکر می‌شود. در ماده ۲۴ قانون مذکور، تصحیح گزارش اصلاحی پیش‌بینی شده که توسط دادگاه صلح انجام می‌شود و گزارش یا تصمیم تصحیح شده به طرفین ابلاغ می‌شود.

در ماده ۲۵ قانون شوراهای حل اختلاف، قانون‌گذار برای نخستین بار عبارت و اصطلاح «اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی» و تصمیم شورا را قابل طرح در دادگاه صلح همان حوزه قضایی قرار داده است و مرجع مذکور را مکلف به رسیدگی و اظهارنظر راجع به ادعای شخص ثالث دانسته است و در ادامه حتی برای هر یک از طرفین گزارش اصلاحی حق اعتراض به عدم تطابق گزارش اصلاحی با توافق

صورت گرفته را پیش‌بینی نموده و اعلام گردید که اعتراض مذکور در همان دادگاه رسیدگی می‌شود.

گزارش اصلاحی موضوع ماده ۲۰ قانون مذکور پس از تأیید قاضی دادگاه صلح مطابق قوانین و مقررات جاری کشور اجرا می‌گردد. (ماده ۲۶ قانون شوراهای حل اختلاف) حال با توجه به مراتب مذکور، نکات مهم و کاربردی ذیل استنباط و استخراج می‌گردد:

الف) چنان‌چه گزارش اصلاحی به حقوق اشخاص ثالث خلل وارد آورد، شخص ثالث می‌تواند دعوی اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی را مطرح نماید و دادگاه صلح مکلف به رسیدگی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به گزارش اصلاحی بوده و در صورت وارد بودن و پذیرش اعتراض، مبادرت به الغاء آن می‌نماید.

ب) پذیرش اعتراض ثالث به گزارش اصلاحی و به کار بردن عبارت مذکور در متن قانون، به معنای پایان دادن به اختلاف نظرات موجود پیرامون امکان اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی است. بدیهی است تأکید قانون‌گذار به قابل طرح بودن اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی صادره از شورا و رسیدگی به آن در دادگاه صلح، جنبه حصری نداشته و دلالت بر آن ندارد که تنها نسبت به گزارش‌های اصلاحی صادره از شورا می‌توان اعتراض ثالث نمود بلکه هدف و فلسفه وضع حق اعتراض برای شخص ثالث که همانا جلوگیری از خلل به حقوق شخص ثالث و نیز جلوگیری از تضییع حقوق احتمالی او می‌باشد، در تمام موارد صدور دادنامه حاوی گزارش اصلاحی حاکم بوده و اختصاص به موارد مطروحه در شورای حل اختلاف ندارد. خصوصاً این که تمام امور حقوقی و مدنی را می‌توان با تراضی طرفین در شورای حل اختلاف مطرح نمود یا طرفین پرونده درخواست سازش به استناد ماده ۱۸۶ آیین دادرسی مدنی را از دادگاه صلح بخواهند. از سوی دیگر، اصل بر آن است که قانون‌گذار در وضع قانون در به کار بردن اصطلاحات و عبارات با در نظر گرفتن فلسفه آن و با علم و اطلاع کامل مبادرت به استعمال آن در متن قانون نموده و اصولاً قانون‌گذار مصون از هرگونه اشتباه می‌باشد.

پ) به نظر می‌رسد با توجه به اشکالات عملی حادث و سردرگمی اشخاص ثالث متضرر پیرامون پذیرش یا عدم پذیرش اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی که عده‌ای از قضات با عدم تلقی گزارش اصلاحی به رأی آن را قابل اعتراض ثالث دانسته و آن را یک قرارداد قضایی می‌دانند که تنها قابلیت ابطال توسط ثالث متضرر از آن را دارد و در مقابل، تعدادی از محاکم از پذیرش دعوی ابطال گزارش اصلاحی به جهت رأی دانستن آن خودداری نموده و حکم به بطلان دعوی خواهان صادر نموده‌اند و با استدلال‌هایی مدعی شده‌اند که دادنامه صادره از سوی دادگاه حاوی صلح و سازش، سند رسمی صادره از مرجع قضایی صلاحیت دار و رأی بوده و قابلیت ابطال از سوی شخص ثالث را ندارد.^۱ به عبارت دیگر، ابطال گزارش اصلاحی را تنها اختصاص به طرفین آن نموده و اعتراض شخص ثالث نسبت به آن را مستلزم اقامه دعوی اعتراض ثالث و تنها در قالب مذکور دانسته‌اند. این اختلاف و دوگانگی موجب سردرگمی و تضییع بیشتر حقوق شخص ثالث و به سود تباری کنندگان برای بردن مال غیر بوده و قانون‌گذار در قانون اخیرالتصویب شوراها حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ با در نظر گرفتن تمامی مشکلات عملی و ایرادات ناشی از اختلاف نظرهای موجود که منجر به صدور آراء متناقض گردیده، سعی نموده با تصریح به حق اعتراض نسبت به گزارش اصلاحی برای اشخاص ثالث به این اختلافات پایان دهد.

۱. دادنامه شماره ۵۸۴/۴۰۰۲۷۰۹۹۷۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۷ صادره از شعبه ۵۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران و دادنامه شماره ۴۰۳۰۳/۴۰۰۵۰۳۹۰۰۰۴۰۳ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ صادره از شعبه چهارم دادگاه حقوقی شهرستان کرمانشاه مؤید این امر می‌باشد که گزارش اصلاحی مانند حکم دادگاه است زیرا در ماهیت صادر می‌شود و قاطع دعوی است لذا شرایط منعکس در صدر ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی را دارا بوده و می‌توان آن را حکم دانست.

نتیجه‌گیری

پس از گذشت حدوداً یک قرن از تاریخ تصویب اولین قانون آیین دادرسی مدنی در نظام تقنینی کشور، سرانجام قانون‌گذار در زمان تصویب قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ برای اولین بار عبارت «اعتراض ثالث به گزارش اصلاحی» را در متن قانون به کار برده و با برشمردن تمام امتیازات مقرر قانونی برای حکم از جمله حق تصحیح اشتباه در رأی، حق اعتراض طرفین به عدم تطابق گزارش اصلاحی با توافق صورت گرفته و نیز حق اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی و الغای آن در صورت پذیرش اعتراض، به اختلافات و برخورد دوگانه موجود فی‌مابین مراجع قضایی نسبت به اعتراض ثالث به گزارش اصلاحی پایان داد. هرچند قانون‌گذار در قانون مصوب مذکور حق اعتراض شخص ثالث به گزارش اصلاحی صادره از شورای حل اختلاف را مجاز دانسته و رسیدگی به اعتراض را در صلاحیت دادگاه صلح قرار داده است، اما قانونی شناختن حق اعتراض ثالث به گزارش اصلاحی، قابل تسری به تمامی دادنامه‌های صادره از مراجع قضایی حاوی گزارش اصلاحی اعم از دادگاه‌های حقوقی بدوی و دادگاه‌های تجدیدنظر استان می‌باشد؛ زیرا فلسفه پیش‌بینی حق اعتراض برای شخص ثالث نسبت به رأی قطعی صادره، جلوگیری از ورود خلل و تحمیل ضرر و زیان ناروا به شخص ثالث بوده که در تمامی موارد صدور رأی گزارش اصلاحی از مراجع قضایی نیز وجود دارد. اقدام قابل تحسین قانون‌گذار در شناختن چنین حقی برای شخص ثالث مانع سردرگمی و تضییع حقوق احتمالی و نیز مانع ضرر رساندن به او گردیده و همچنین از تشتت آراء قضایی جلوگیری می‌نماید. اگرچه به نظر می‌رسد بهتر بود که قانون‌گذار به جای عبارت نامأنوس «گزارش» از عبارت «حکم یا رأی سازشی» در هنگام تدوین قانون استفاده می‌نمود.

فهرست منابع

۱. ابهری، حمید؛ کاویار، حسین، (۱۳۹۳)، اعتبار گزارش اصلاحی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۴، شماره ۳
۲. پهلوان زاده، عباس، (۱۳۹۹)، اعتراض شخص ثالث ماهوی، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۹)، دانشنامه حقوقی، جلد ۵، چاپ سوم، تهران: نشر گنج دانش.
۴. سلطانیان، داوود، (۱۴۰۳)، آیین دادرسی مدنی، حواشی دادرسی، چاپ اول، تهران: نشر جنگل.
۵. شمس، عبدالله، (۱۴۰۰)، آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد ۲، چاپ سی و پنجم، تهران: انتشارات دراک.
۶. صحرایی، فرید؛ جمشیدی، جواد، (۱۴۰۰)، رفع ابهام از گزارش اصلاحی در رویه قضایی، فصلنامه رأی مطالعات آراء قضایی دوره ۱۰، شماره ۳۵.
۷. عابدی، محمد، (۱۳۹۸)، رفتار حرفه‌ای وکیل در مصالحه بین طرفین دعوی، فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری، شماره ۱۸
۸. عموزاد مهدیرجی، رضا، (۱۳۹۵)، ایرادات قضایی بر نحوه طرح دعاوی حقوقی، چاپ سوم، تهران: نشر دادگستر.
۹. کاتوزیان، امیرناصر، (۱۳۹۹)، اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، چاپ یازدهم، تهران: نشر میزان.
۱۰. کارچانی، مهدی؛ عبدالهی، مصطفی، (۱۳۹۶)، گزارش نقد رأی، اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی، فصلنامه رأی، مطالعات آراء قضایی، دوره ۶، شماره ۲۱.
۱۱. نوبخت، یوسف، (۱۳۹۳)، نگاهی به آیین دادرسی مدنی، چاپ اول، تهران: نشر راد نواندیش.